

## ابن تیمیه و تکفیر مسلمین و قتل آنان

خطرناکترین چیزی که ابن تیمیه بنیانگذار فکری وهابیت در آغاز دعوت خویش مطرح ساخت و افکار عمومی را متشنج و عقائد مردم را جریحه دار کرد، متهم ساختن مسلمان به کفر و شرک بود...



خطرناکترین چیزی که ابن تیمیه بنیانگذار فکری وهابیت در آغاز دعوت خویش مطرح ساخت و افکار عمومی را متشنج و عقائد مردم را جریحه دار کرد، متهم ساختن مسلمان به کفر و شرک بود.

او رسماً اعلام کرد: هر کس کنار قبر پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) یا یکی از افراد صالح بیاید و از آنان حاجت بخواهد مشرک است، پس واجب است چنین شخصی را وادار به توبه کند، و اگر توبه نکند، باید کشته شود.

«من یأتی إلی قبر نبیّ أو صالح، ویسأله حاجته ویستتجده... فهذا شرک صریح، یجب أن یُستتابَ صاحبه، فإن تاب، وإلا قُتِل»(1).

محمد بن عبد الوهّاب و تکفیر مسلمین و جهاد با آنان

محمد بن عبد الوهّاب مجدّد ناشر افکار ابن تیمیه می گوید:

«وان قصدهم الملائكة والأنبياء والأولياء يريدون شفاعتهم والتقرّب إلى الله بذلك، هو الذي أحلّ دماءهم وأموالهم»(2).

(همانا هدف آنان وسیله تقرّب به خداوند و شفیع قرار دادن پیامبران، و صالحان است، به همین جهت خونشان حلال و قتلشان جایز است).

شهادت به کفر مسلمانان، شرط ورود به آیین وهابیت

أحمد زینی دحلان مفتی مکه مکرمه می نویسد: «كان محمد بن عبد الوهّاب إذا أتبعه أحد وكان قد حجّ حجّة الإسلام، يقول له: حجّ ثانياً! فإنّ حجّك الأولى فعلتها وأنت مشرک، فلا تقبل، ولا تسقط عنك الفرض.

وإذا أراد أحد الدخول فی دینہ، يقول له بعد الشهادتين: اشهد على نفسك إنك كنت كافراً، وعلى والديك أنّهما ماتا كافرين، وعلى فلان وفلان، ويسمّي جماعة من أكابر العلماء الماضين أنّهم كانوا كافراً، فإن شهد قبله، وإلا قتله، وكان يصرّح بتكفير الأمّة منذ ستمائة سنة، ويكفر من لا يتبعه، ويسمّيهم المشركين، ويستحلّ دماءهم وأموالهم»(3).

اگر چنانچه کسی به مذهب وهابیت در می آمد و قبلاً حج واجب انجام داده بود «محمد بن عبد الوهّاب» به وی می گفت: باید دوباره به زیارت خانه خدا بروی چون حج گذشته تو در حال شرک صورت گرفته است.

و به کسی که می خواست وارد کیش وهابیت بشود می گفت: پس از شهادتین باید گواهی دهی که در گذشته کافر بوده ای و پدر و مادر تو نیز در حال کفر از دنیا رفته اند، و همچنین باید گواهی دهی که علماء بزرگ گذشته کافر مرده اند.

اگر چنانچه گواهی نمی داد وی را می کشتند. آری او بر این باور بود که تمام مسلمانان در طول 12 قرن گذشته کافر بوده اند، و هرکسی را که از مکتب وهابیت پیروی نمی کرد او را مشرک دانسته و خون و مال او را مباح می کرد.

فتوی ابن جبرین در کفر شیعه

ابن جبرین که یکی از مفتیان بزرگ سعودی است سؤال شده که آیا به فقرای شیعه می شود زکات داد؟

پاسخ داده طبق نظر علماء اسلامی به کافر نمی شود زکات داد و شیعیان بدون شک به چهار دلیل کافر هستند:

1 - آنان نسبت به قرآن طعنه زده و بدگویی می کنند و معتقد به تحریف قرآن هستند و می گویند که دو سوم قرآن حذف شده و هرکس به قرآن طعنه زند کافر هست و منکر آیه شریفه «وانا له لحافظون» می باشد.

2 - به سنت پیامبر و احادیث صحیح بخاری و مسلم نیز طعنه می زنند و به احادیثی که در این دو کتاب آمده عمل نمی کنند چون بر این عقیده هستند که روایات این کتاب ها از صحابه نقل شده و صحابه را کافر می شمارند. و معتقد هستند که پس از پیامبر گرامی همه صحابه جز علی و فرزندان او و تعداد اندکی مانند سلمان و عمار همه کافر و مرتد شدند.

3 - شیعیان اهل سنت را کافر دانسته و با آنان نماز نمی خوانند و اگر پشت سر اهل سنت نماز بخوانند آن نماز را اعاده می کنند بلکه آنان معتقد به نجاست اهل سنت هستند و اگر با یکی از اهل سنت مصافحه کنند، دست خود را آب می کشند.

4 - شیعیان نسبت به علی و فرزندان او علوّ کرده و آنان را به صفاتی که ویژه خداوند است توصیف می کنند و همانند خداوند آنان را صدا می کنند.

تا آن جا که گفته: «من دفع إلیهم الزکاة فلیخرج بدلها حیث أعطاها من یستعین بها علی الکفر، و حرب السنّة»

اگر کسی به شیعیان زکات بدهد قبول نیست زیرا او با این کار خود به کسی کمک کرده که کفر را تقویت می کند و با سنت پیامبر در حال جنگ است(4).

اعلام رسمی جهاد بر ضدّ شیعه

از شیخ عبد الرحمان براك از مفتیان سعودی استفتا شده: «هل یمكن أن یكون هناك جهاد بین فئتين من المسلمین (أی: السنّة مقابل الشیعة؟».

آیا امکان جهاد میان اهل سنت و شیعه وجود دارد؟

وی پاسخ داد: «... إن كان لأهل السنة دولة وقوة وأظهر الشيعة بدعهم ، وشركهم ، واعتقاداتهم ، فإن على أهل السنة أن يجاهدوهم بالقتال...»(5). اگر اهل سنت دارای دولت مقتدی باشند و شیعه برنامه شرك آمیز خود را اظهار نمایند (مانند اعتقاد به وصایت علی (علیه السلام) بعد از پیامبر گرامی و مراسم عزاداری برای امام حسین (علیه السلام) و توسل به امیر المؤمنین و حسین (علیهما السلام)). در این صورت بر اهل سنت واجب است که علیه شیعه اعلام جهاد نموده و آنان را به قتل برسانند.

فتوای هیأت عالی افتای سعودی بر کفر شیعه

هیأت عالی افتای سعودی در پاسخ به سؤالی پیرامون شیعه نوشته است:

«إنَّ كان الأمر كما ذكر السائل من أن الجماعة الذين لديه من الجعفرية يدعون عليا والحسن والحسين وسادتهم فهم مشركون مرتدون عن الإسلام»(6).

همان گونه که در سؤال آمده است، آنان که «با علی، یا حسین» می گویند مشرک، و از ملت اسلام خارج می باشند.

و این فتوی به امضاء چهار تن از اعضای هیأت عالی سعودی به شرح ذیل رسیده است:

رئیس هیأت: عبد العزیز بن عبد الله بن باز.

اعضای هیأت: عبد الرزاق عقیفی، عبد الله بن عدیّان و عبد الله بن قعود.

فتوای زرقاوی بر جهاد بر ضد شیعه

زرقاوی رهبر وهابیون عراقی طی اطلاعیه ای که از طریق اینترنت منتشر گردید اعلام کرد: مخالفان (شیعیان): افعی ها و دشمنان در کمین نشسته و عقرب های حيله گر هستند، ما اکنون به جنگ با دشمن کافر و جنگ دشوار با دشمن حيله گری که لباس دوست بر تن کرده و به همدلی دعوت می کند، ولیکن شرور است و ارت اختلاف درونی را به میراث برده، می پردازیم.

يك ناظر جستجوگر درك می کند که شیعیان خطری آشکار و حقیقی هستند. پیام تاریخ که واقعیت نیز آن را تصدیق نموده، این امر را روشن ساخته که تشیع، دینی جدا از اسلام است و با یهود تحت شعار اهل کتاب و مسیحیان ملاقات می کنند، شرك نمایان شیعیان تا جایی است که قبرها را می پرستند و در اطراف قبور ائمه طواف می کنند، به حدی رسیده اند که یاران پیامبر را کافر می دانند و به مادر مؤمنان و صالحان این امت دشنام می دهند و قرآن کریم را جعل می کنند.

و در کتب شیعیان که تاکنون در حال انتشار است به نزول وحی برای آن گروه ادعا شده است و این یکی از تصاویر کفر و کفرشناسی است.

کسانی که گمان می کنند شیعیان می توانند میراث تاریخی و کینه سیاه خود را فراموش کنند، در توهّم به سر می برند و این همانند آن است که این افراد، (متوهمان) از مسیحیان بخواهند صلیب کشیدن مسیح را فراموش کنند. آیا يك عاقل چنین کاری می کند؟

این قوم علاوه بر کفر خود، برای افزایش بحران حکومت و موازین نیرو در دولت، از مکر و حيله سیاسی استفاده و تلاش می کنند برای تثبیت شرایط محیطی جدید خود، با استفاده از پلاکاردهای سیاسی و سازمان های خود با هم پیمانانشان همکاری کنند.

این قوم خیانتکار در طول تاریخ، اهل تسنن را به مبارزه می طلبیده و در هنگام سقوط رژیم صدام، شعار «انتقام از تکریت تا انبار» را سر می داد که این مسأله خود بر میزان کینه آنها نسبت به اهل تسنن دلالت می کند(7).

نتیجه شوم تکفیر و اعلام جهاد

محمد بن عبد الوهاب با اعلام جهاد علیه مسلمین به اتهام کفر و شرك و بدعت، اعراب بادیه نشین را بر انگیخت و به کمک ابن سعود لشکری فراهم ساخت و با حمله به شهرها و روستاهای مسلمان نشین، مردم را به خاک و خون کشید و اموال آنان را به عنوان غنائم جنگی غارت نمود(8).

1 - قتل و غارت وهابیون در منطقه نجد

الف: کشتار مسلمانان و قطع نخلها و غارت مغازه ها:

ابن بشر عثمان بن عبد الله، مؤرخ آل سعود در رابطه با آغاز دعوت وهابیت در منطقه نجد و کشت و کشتار مردم بی گناه به اتهام شرك می نویسد: عبد العزیز همراه با عده ای به قصد جهاد با اهل سرزمین ثادق حرکت کرد، و آنان را به محاصره در آورد و بخشی از نخلستان های آنان را قطع کرد و تعدادی هم از مردان آنان را به قتل رساند(9).

سپس عبد العزیز به قصد جهاد به سمت خُرج حرکت کرد و در منطقه «دلم» هشت نفر از مردان را به قتل رساند و مغازه ها را که مملو از اموال بود، غارت نمود و آنگاه به سرزمین «تَعْجان» و «تَرَمْدا» و «دلم» و «خُرج» رفت و عده ای را کشت و شتران بسیاری به غنیمت گرفت.

ب: به آتش کشیدن محصولات زراعی:

تا آن جا که می گوید: عبد العزیز به قصد جهاد وارد منفوحه شد و محصولات زراعی آنان به آتش کشید و بخش عظیمی از جواهرات و گوسفند و شتران را به غنیمت گرفت و تعداد ده نفر را نیز به قتل رساند(10).

ج: باعث سقط زنان حامله:

لشکر عبد العزیز شبانگاه وارد منطقه حَرَمه شدند و پس از طلوع فجر به دستور عبد الله پسر عبد العزیز تیر اندازان بصورت دسته جمعی به طرف شهر تیراندازی و صداک مهیب تیرها شهر را به لرزه درآورد به گونه ای که بعضی از زنان حامله، سقط کردند و مردم به وحشت افتاده و شهر به محاصره در آمد و مردم نه توان مقاومت و نه امکان فرار از شهر را داشتند(11).

د: کشته شدن مردم ریاض در اثر گرسنگی و تشنگی:

ابن بشر در رابطه با حمله وهابیت به ریاض می نویسد:

«ففرَّ أهل الرياض في ساقته الرجال والنساء والأطفال لا يلبون أحد على أحد ، هربوا على وجوههم إلى البرية في السهباء فاصدين الخروج وذلك في فصل الصيف ، فهلك منهم خلق كثير جوعا وعطشاً».

اهل ریاض با شنیدن حمله لشکر وهابیت از ترس و وحشت، همه مردان و زنان و کودکان پا به فرار گذاشتند، از آنجایی که این حمله در فصل تابستان بود، جمعیت زیادی در اثر گرسنگی و تشنگی جان سپردند.

ه: کشتار فراریان:

وقتی عبد العزیز وارد ریاض شد دید در شهر جز اندکی کسی نمانده و فراریان را دنبال کرد و عده ای را کشت و اموالی را که با خود داشتند به غنیمت گرفت.

و آن گاه در شهر ریاض تمام اموال مردم و خانه ها و نخلستانهای آنان را به تصرف در آوردند.

«فلما دخل عبد العزيز الرياض وحدها خالية من أهلها إلا قليلاً فساروا في أثرهم يقتلون ويغتمون. ثم إن عبد العزيز جعل في البيوت ضابطاً يحفظون ما فيها. وحاز جميع ما في البلد من الأموال والسلاح والطعام والأمتاع وغير ذلك وملك بيوتها ونخلها إلا قليلاً» (12).

چند سؤال؟

این کشت و کشتار مردم بی دفاع نمونه ای از جنایات وهابیت بود که توسط يك مورخ سعودی بیان گردید و اینك چند سؤال از طرفداران وهابیت مطرح است. بر فرض این که ساکنان این مناطق که مورد حمله و هجوم وهابیون قرار گرفت همگی مشرک بودند، آیا رهبران وهابی قبل از حمله و قتل و غارت، آنان را به طرف اسلام و ایمان دعوت کردند و آنان نپذیرفتند و به دنبال آن، حمله و قتل و غارت را آغاز کردند و یا بدون هیچ اطلاعی، شبانگاه مردم بی دفاع را به رگبار گلوله بستند و زنان حامله از ترس جنین خود را سقط کردند.

آیا دعوت رسول اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) از مشرکان این چنین بود؟

آیا آتش زدن مزارع، نابودی نخلستانها و به دنبال کردن فراریان که در میان آنان زنان و کودکان بود با کدامیک از موازین اسلام مطابقت دارد؟

آیا رسول اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) يك مورد این چنین برخوردار با مشرکان و حتی یهودیان داشته اند؟

مگر پیامبر گرامی(صلی الله علیه وآله وسلم) پس از فتح مکه که برخی شعار می دادند «اليوم يوم الملحمة» امروز، روز انتقام است، نفرمود؟ «اليوم يوم الرحمة» (13) امروز، روز نمایش رحمت و رأفت اسلامی است،

و نسبت به کسانی هشت سال تمام با حضرت جنگیده بودند با جمله: «اذهبوا فأنتم الطلقاء» (14)، همه را از هرگونه انتقام و مجازات معاف نداشت؟

آیا به آتش کشیدن مزارع و قتل زنان و کودکان فراری از نظر عرف مردم و قوانین بین المللی قابل توجیه است؟(15)

2 - کشتار بی رحمانه شیعیان در کربلا

کشتار وهابیان در عتبات عالیات به راستی صفحه تاریخ را سیاه کرده و لگه ننگ همیشگی بر پیشانی وهابیان زده است.

«صلاح الدین مختار» که خود وهابی است می نویسد: در سال 1216 امیر سعود با لشکر انبوهی از مردم نجد و عشایر جنوب و حجاز و دیگر نقاط، به قصد عراق حرکت کرد، در ماه ذی قعدة به کربلا رسید و تمام برج و باروی شهر را خراب کرد، و بیشتر مردم را که در کوچه و بازار بودند به قتل رساند، نزدیک طهر با اموال و غنایم فراوان از شهر خارج شد. آنگاه خمس اموال غارت شده را خود سعود برداشت و بقیه را به نسبت هر پیاده يك سهم و هر سواره دو سهم بین لشکریان تقسیم نمود(16).

شیخ عثمان نجدی از مورخان وهابی می نویسد: وهابیان به صورت غافلگیرانه وارد کربلا شدند و بسیاری از اهل آنجا را در کوچه و بازار و خانه ها کشتند، روی قبر حسین(علیه السلام) را خراب کردند، و آنچه در داخل قبه بود به چپاول بردند، و هرچه در شهر از اموال، اسلحه، لباس، فرش، طلا، وقرآنهاک نفیس یافتند ربودند، نزدیک طهر از شهر خارج شدند در حالی که قریب به دو هزار نفر از اهالی کربلا را کشته بودند(17).

برخی می نویسند که وهابیان در يك شب، بیست هزار نفر را به قتل رساندند(18).

میرزا ابو طالب اصفهانی در سفرنامه خود می نویسد: هنگام برگشت از لندن و عبور از کربلا و نجف دیدم که قریب بیست و پنج هزار نفر وهابی وارد کربلا شدند و صدای «اقتلوا المشركين وادبحوا الكافرين» (مشرکان را بکشید و کافران را ذبح کنید)، سر می دادند، بیش از پنج هزار نفر را کشتند و زخمیها حساب نداشت، صحن مقدس امام حسین (علیه السلام)از لاشه مقتولین پر، و خون از بدنهای سر بریده شده روان بود.

بعد از یازده ماه مجدداً به کربلا رفتم دیدم که مردم آن حادثه دلخراش را نقل و گریه می کنند به طوری که از شنیدن آن، مویها بر اندام راست می شد(19).

وهابیان بعد از کشتار بی رحمانه اهل کربلا و هتك حرمت حرم حسینی (علیه السلام)با همان لشکر راهی نجف اشرف شدند، ولی مردم نجف بخاطر آگاهی از جریان قتل و غارت کربلا و آمادگی دفاعی به مقابله برخاستند و حتی زنها از منزلها بیرون آمده و مردان خود را تشجیع و تحریک به دفاع می کردند تا اسیر قتل و چپاول وهابیان نشوند.

و در سال 1215 نیز گروهی برای انهدام مرقد مطهر حضرت امیر (علیه السلام)عازم نجف اشرف شدند که در مسیر با عده ای از اعراب در گیر شده و شکست خوردند(20).

در مدت نزدیک به ده سال چندین بار حملات شدیدی به شهر کربلا و نجف انجام دادند(21).

3 - قتل عام مردم طائف

شاید بعضی تصور کنند که وهابیان فقط بلاد شیعه نشین را مورد تاخت و تاز قرار داده اند، ولی با نگاهی به عملکرد سیاه آنان در حجاز و شام روشن خواهد شد که حتی مناطق سنی نشین نیز از حملات وحشیانه آنان در امان نبود.

«جمیل صدقی زهاوی» در حمله وهابیان به طائف می نویسد: از زشت ترین کارهای وهابیان در سال 1217، قتل عام مردم طائف است که بر صغیر و کبیر رحم نکردند، طفل شیر خوار را بر روی سینه مادرش سر بردند، جمعی را که مشغول فرا گرفتن قرآن بودند کشتند و حتی گروهی را که در مسجد مشغول نماز بودند به قتل رساندند، و کتابها که در میان آنها تعدادی قرآن و نسخه هایی از صحیح بخاری و مسلم و دیگر کتب حدیث و فقه نیز بود در کوچه و بازار افکنده و آنها را پایمال کردند(22).

وهابیان پس از قتل عام مردم طائف طی نامه ای علمای مکه را به آیین خود دعوت کردند، آنان در کنار کعبه گرد آمدند تا به نامه وهابیان پاسخ گویند که ناگهان جمعی از ستمدیدگان طائف داخل مسجد الحرام شدند و آنچه بر آنان گذشته بود بیان داشتند، مردم سخت به وحشت افتادند چندان گویی که قیامت بر پا شده است.

آنگاه علماء و مفتیان مذاهب اربعه اهل سنت که از مکه مکرمه، و سایر بلاد اسلامی برای اداى مناسك حج آمده بودند به کفر وهابیان حکم کردند، و برامیر مکه واجب دانستند تا به مقابله با آنان بشتابند، و فتوا دادند که بر مسلمانان واجب است تا در این جهاد شرکت نمایند، و در صورت کشته شدن شهید خواهند بود(23).

4 - کشتار عمومی علماء اهل سنت

دریادار سرتیب «آیوب صبری» سرپرست مدرسه عالی نیروی دریایی در دولت عثمانی می نویسد: «عبد العزیز بن سعود» که تحت تأثیر سخنان «محمد بن عبد الوهاب» قرار گرفته بود در اولین سخنرانی خود در حضور شیوخ قبایل گفت: ما باید همه شهرها و آبادیها را به تصرف خود در آوریم و احکام و عقاید خود را به آنان بیاموزیم ... برای تحقق بخشیدن به این آرزو ناگزیر هستیم که عالمان اهل سنت را که مدعی پیروی از سنت سنیه نبویه و شریعت شریفه محمدیه هستند از روی زمین برداریم.

و به عبارت دیگر، مشرکانی که خود را به عنوان علمای اهل سنت قلمداد می کنند از دم شمشیر بگذرانیم به ویژه علمای سرشناس و مورد توجه را، زیرا تا اینها زنده هستند هم کیشان ما روی خوشی نخواهند دید، از این رهگذر باید نخست کسانی را که به عنوان عالم خودنمایی می کنند ریشه کن نمود سپس بغداد را تصرف کرد(24).

در جای دیگری می نویسد: «سعود بن عبد العزیز» در سال 1218 به هنگام تسلط بر مکه مکرمه، بسیاری از دانشمندان اهل سنت را بی دلیل به شهادت رساند، و

بسیاری از اعیان و اشراف را بدون هیچ اتهامی به دار آویخت، و هر کس را که در اعتقادات مذهبی ثبات قدم نشان می داد به انواع شکنجه ها تهدید کرد، و آنگاه منادیانی فرستاد که در کوچه و بازار بانگ زدند: «ادخلوا فی دین سعود، وتظّلوا بظلّه الممدود» هان ای مردمان! به دین سعود داخل شوید و در زیر سایه گسترده اش مأوا گزینید! (25).

5 - خطبه کفر آمیز سعود در مدینه منوره

«سعود بن عبد العزیز» پس از تصرف مدینه منوره همه اهالی مدینه را در مسجد النبی گرد آورد، و درهای مسجد را بست، و اینگونه سخن آغاز نمود: هان ای مردم مدینه! بر اساس آیه شریفه «الیوم اکملت لکم دینکم» دین و آیین شما امروز به کمال رسید، به نعمت اسلام مشرف شدید، حضرت احدیت از شما راضی و خشنود گردید، دیگر ادیان باطله نیاکان خود را رها کنید و هر گز از آنها به نیکی یاد نکنید، از درود و رحمت فرستادن بر آنها به شدت پرهیز نمایید، زیرا همه آنها به آیین شرک در گذشته اند (26).

6 - انهدام میراث فرهنگی

حفظ تاریخ گذشتگان و صیانت از میراث فرهنگی نیاکان نشانگر تمدن یک جامعه به شمار می رود، که برای پاسداری از آنها ادارات ویژه تأسیس نموده و کارشناسان ماهر تربیت می کنند، و در این عرصه اجازه نمی دهند که حتی یک سفال و یا کتیبه کوچک سنگی از بین برود.

شکّی نیست که تمدن اسلامی تنها تمدن پیشتاز عصر خویش بود که مسلمانان در پرتو تعالیم آسمانی خویش آن را پی ریزی نمودند. شکوفایی این تمدن در قرن چهارم و پنجم هجری به اوج خود رسید و به شهادت محققان غربی نفوذ این تمدن از طریق آندلس و جنگهای صلیبی به اروپا یکی از مهمترین علل شکوفایی و رنسانس غرب در قرون اخیر به شمار می رود.

آثار و ابنیه مربوط به شخص پیامبر و یاران باوفای او جزئی از میراث عمومی این تمدن بزرگ بوده و حفظ و صیانت از آنها نشانه تقدیر از بنیانگذاران این فرهنگ و تمدن به شمار می رود.

و از طرفی اقدام به تخریب و نابودی این آثار، نشانه انحطاط فکری و بی توجهی به سازندگان و بنیانگذاران تاریخ و تمدن می باشد، که در اثر مرور زمان واقعیتهای تاریخی و اصلتهای دینی به دست فراموشی سپرده می شود، و از همه مهمتر، عامل رکود انگیزه های فکری و نابودی استعدادها درخشان در جامعه بشری می گردد.

با مراجعه به قرآن کریم روشن می شود که امتهای پیشین به حفاظت و صیانت از آثار پیامبران خود اهتمام، و به آن تبرک می جستند، همانند صندوقی که در آن موارث خاندان موسی و هارون قرار داشت که آن را در نبردها حمل می کردند تا از طریق تبرک به آن بر دشمن پیروز گردند.

(وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلَ مُوسَىٰ وَهَارُونَ) (27)، «و پیامبرشان بایشان گفت: در حقیقت نشانه پادشاهی او این است که آن صندوق [عهد] که در آن آرامش خاطر از جانب پروردگارتان، و بازمانده ای از آنچه خاندان موسی و خاندان هارون [در آن] بر جای نهاده اند در حالی که فرشتگان آن را حمل می کنند به سوی شما خواهد آمد».

«جلال الدین سیوطی» نقل می کند: وقتی که رسول اکرم آیه شریفه (فِي بُيُوتٍ أَذُنَ اللَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيَذْكُرَ فِيهَا اسْمَهُ) (28) را در مسجد تلاوت نمود، فردی برخاست و پرسید: مقصود از این خانه ها چیست؟

پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: خانه های پیامبران. در این موقع ابوبکر برخاست و به خانه علی و زهرا اشاره کرده و گفت: ای پیامبر خدا! این خانه از همین خانه هاست که خدا رخصت بر رفعت و منزلت آنان داده است؟ حضرت فرمود: آری از برترین آنها است (29).

و این قضیه نشان می دهد که خانه های پیامبران و صالحان از اعتبار و جایگاه خاصی برخوردار است، و پیدا است که این منزلت ارتباط به جنبه مادّی و خشت و گل و آجر آنها ندارد، بلکه این ارزش به خاطر انسانهای والایی است که در آنجا سکونت گزیده اند.

سیر و سیاحت در کشورهای که قبور انبیاء و فرزندان آنان در آنجا قرار دارد نشان می دهد که پیروان پیامبران نسبت به حفظ قبور آنان و ساختن بناهای مجلل بر روی آنها اهتمام خاصی مورزیده اند، و سپاه اسلام نیز هنگام فتح شامات دست به تخریب قبور پیامبران نزدند، بلکه خادمان آنها را که حفاظت از آن را بعهده داشتند ایفا کردند.

و این بناها تا امروز محفوظ مانده و برای مسلمانان بلکه برای تمام موحدان جهان جاذبه خاصی دارد.

اگر ساختن بنا بر قبور انبیاء و اولیاء نشانه شرک بود، جا داشت تا فاتحان منصوب از سوی خلفاء به تخریب و نابودی آن ابنیه می پرداختند.

بررسی کتب تاریخی و سفرنامه ها گواه وجود صدها آرامگاه و مرقد با شکوه در سرزمین وحی و کشورهای اسلامی است.

مسعودی (متوفای 345) مورخ معروف، مشخصات کامل قبور ائمه بقیع و اهل بیت (علیهم السلام) را بیان نموده است (30)، و «ابن جبیر» آندلسی جهانگرد معروف اواخر قرن ششم که مشرق زمین را سه بار زیر پا نهاده است، در سفر نامه خود در باره مشاهد انبیاء و صالحان و ائمه اهل بیت را در مصر، مکه، مدینه، عراق، و شام به تفصیل سخن گفته و ویژگیهای روضه ائمه بقیع و خصوصیات ضریح آنها را بیان نموده است (31).

7 - تخریب آثار بزرگان در مکه

وهابیون در سال 1218 پس از مسلط شدن بر مکه تمام آثار بزرگان دین را تخریب نمودند.

آنان در «معلّی» قبه زادگاه پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله وسلم) را، و همچنین قبه زادگاه علی بن ابی طالب (علیه السلام)، و حضرت خدیجه، و حتی ابوبکر را ویران و با خاک یکسان کردند.

آثار باستانی که در اطراف خانه خدا و بر روی زمزم بود تخریب کرده و در تمام مناطقی که مسلط می شدند آثار صالحین را نابود می کردند، و هنگام تخریب طبل می زدند و به رقص و آواز خوانی می پرداختند (32).

بلکه اینان شقاوت را به جایی رساندند که خانه حضرت خدیجه را که مدتی مهبط وحی الهی بود خراب کرده و به توالت تبدیل کردند (33).

زادگاه رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) را ویران ساخته و به محل خرید و فروش حیوانات در آمد که با تلاش افراد صالح و خیر، از چنگال وهابیه در آمد و به کتابخانه مبدل گردید (34).

رفاعی بعد از این قضیه می نویسد: فرصت یرمون المکان بعیون النشّر والنهید والانتقام، وتتربصون به الدوائر وطالبتنم صراحة بهدمه واستعدینتم السلطة وحرصتموها علی ذلك بعد اتّخاذ قرار بذلك من هیئته کبار علمائکم قبل سنوات قليلة (وعندی شریط صریح بذلك) غیر آن خادم الحرمین الشریفین الملك فهد العاقل الحکیم العارف بالعواقب تجاهل طلبکم وجمّده.

فيا سوء الأدب وقلّة الوفاء لهذا النبيّ الكريم الذي أخرجنا الله به وإياکم والأجداد من الظلمات إلى النور! ويا قلّة الحياء منه يوم الورد علی حوضه الشريف! ويا بؤس وشقاء

فرقة نكره نبيها سواء بالقول أو بالعمل وتحقره وتسعى لمحو آثاره! (35)

(شما وهابیان در این سالهای اخیر تصمیم گرفتید نیات شوم خود را از طریق تهدید و انتقام پیاده کنید، تمام تلاش خود را جهت نابودی محل ولادت رسول گرامی(صلی الله علیه وآله وسلم) به کار بستید، حتی از شخصیتها و علماء بزرگ سعودی مجوز ویران کردن آن مکان مقدس را گرفتید، ولی ملك فهد، عواقب شوم آن را ملاحظه کرد و شما را از این کار ننگین باز داشت.

این چه کار بی ادبانه ای است که از شما سر می زند؟!

این چه بی وفایی است از شما به رسول گرامی(صلی الله علیه وآله وسلم)! که خداوند به وسیله آن حضرت، ما و شما و اجداد ما را از تاریکیهای شرک و بد بختی به سوی نور اسلام هدایت فرمود؟!

بدانید که به هنگام مشاهده رسول گرامی(صلی الله علیه وآله وسلم) در کنار حوض، جز بی حیایی نصب شما نخواهد شد.

و به یقین بدانید که نتیجه شقاوت خود را در نابودی آثار پاک آن نبی مکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) که موجب رنجش گردیده است مشاهده خواهید کرد.

آثار قبور صحابه و امهات المؤمنین و آل البيت را نابود کرده و قبر آمنه بنت وهب مادر گرامی رسول اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) را با نازنین به آتش کشیدید و اثری از آنها باقی نگذاشتید(36).

8 - آتش زدن کتابخانه های بزرگ

درنداکترین چیزی که وهابیت مرتکب شد و ننگ او برای ابد بر پیشانی آنان باقی است، آتش زدن کتابخانه بزرگ «المکتبة العربیة» بود که بیش از 60 هزار عنوان کتاب گرانقدر و کم نظیر، و بیش از 40 هزار نسخه خطی منحصر به فرد داشت، که در میان آنها برخی از آثار خطی دوران جاهلیت، یهودیان، کفار قریش، و همچنین آثار خطی علی (علیه السلام)، ابوبکر، عمر، خالد بن ولید، طارق بن زیاد، و برخی از صحابه پیامبر گرامی(صلی الله علیه وآله وسلم) و قرآن مجید به خط «عبد الله بن مسعود» وجود داشت.

و نیز در همین کتابخانه انواع سلاحهای رسول اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم)، و بتهایی که هنگام ظهور اسلام مورد پرستش بود، مانند «لات»، «عزی»، «مناة» و «هیل» موجود بود.

«ناصر السعید» از قول یکی از مورخان نقل می کند که هنگام تسلط وهابیان، این کتابخانه را به بهانه وجود کفریات در آن به آتش کشیده و به خاکستر تبدیل کردند(37).

تخریب گرانبهارترین آثار اسلامی مدینه

آل سعود در سال 1344 که تسلط کامل بر حجاز یافت تمام آثار صحابه را در مدینه نابود کرد، مانند زادگاه امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) در مدینه، قبور شهداء بدر، بارگاه ائمه بقیع: امام حسن، امام سجاد، امام باقر و امام صادق(علیهم السلام)، و بیت الأحرانی که علی(علیه السلام) برای حضرت زهراء ساخته بود، و مرقد فاطمه بنت اسد مادر امیر مؤمنان(علیه السلام).

فهرست

وهابیت و تکفیر مسلمین &hellip1

ابن تیمیه و تکفیر مسلمین و قتل آنان &hellip1

محمد بن عبد الوهاب و تکفیر مسلمین و جهاد با آنان &hellip1

شهادت به کفر مسلمانان، شرط ورود به آیین وهابیت &hellip2

فتوی ابن جبرین در کفر شیعه &hellip3

اعلام رسمی جهاد بر ضد شیعة &hellip5

فتوای هیأت عالی افتای سعودی بر کفر شیعه &hellip5

فتوای زرقاوی بر جهاد بر ضد شیعه &hellip6

نتیجه شوم تکفیر و اعلام جهاد &hellip7

1 - قتل و غارت وهابیون در منطقه نجد &hellip7

چند سؤال ؟ &hellip9

2 - کشتار بی رحمانه شیعیان در کربلا &hellip10

3 - قتل عام مردم طائف &hellip12

4 - کشتار عمومی علماء اهل سنت &hellip13

5 - خطبه کفر آمیز سعود در مدینه منوره &hellip14

6 - انهدام میراث فرهنگی &hellip14

7 - تخریب آثار بزرگان در مکه &hellip17

8 - آتش زدن کتابخانه های بزرگ &hellip19

تخریب گرانبهارترین آثار اسلامی مدینه &hellip20

(1) زیارة القبور والاستنجد بالمقبور: 156، قریب منه فی الهدیة السنیة: 40، انظر كشف الارتیاب: 214.

(2) كشف الشبهات: 58، ط. دار القلم - بیروت، مجموع مؤلفات الشیخ محمد بن الوهاب: 115/6، رسالۃ كشف الشبهات.

(3) الدرر السنیة: 46/1، الفجر الصادق لجمیل صدق الزهاوی: 17، كشف الارتیاب: 135 نقلا عن خلاصة الكلام: 229 - 330 لدحلان.

(4) السؤال: ما حکم دفع زکاة أموال أهل السنة لفقراء الرافضة (الشیعة) وهل تبرأ ذمة المسلم الموكّل بتفريق الزکاة إذا دفعها للرافضی الفقیر أمر لا ؟

الجواب: لقد ذکر العلماء فی مؤلفاتهم فی باب أهل الزکاة أنها لا تدفع لكافر ، ولا مبتدع ، فالرافضة بلا شكّ كفار لأربعة أدلة :

الأول: طعنهم فی القرآن ، وإدعائهم أنه حذف منه أكثر من ثلثه ، كما فی كتابهم الذی آلفه النوری وسماه «فصل الخطاب فی إثبات تحریف كتاب ربّ الأرباب» وكما فی كتاب الكافی ، وغیره من كتبهم ، ومن طعن فی القرآن فهو كافر مكذب لقوله تعالى : «وإنّا له لحافظون».

الثانی: طعنهم فی السنة وأحادیث الصحیحین ، فلا يعملون بها لأنّها من رواية الصحابة الذین هم كفّار فی اعتقادهم، حیث یعتقدون أنّ الصحابة كفروا بعد موت النبی

- صلى الله عليه وسلم إلا على وذريته ، وسلمان وعمّار ، ونفر قليل ، أمّا الخلفاء الثلاثة، وجماهير الصحابة الذين بايعوهم فقد ارتدوا ، فهم كفّار ، فلا يقبلون أحاديثهم ، كما فى كتاب الكافى وغيره من كتبهم .
- الثالث : تكفيرهم لأهل السنّة ، فهم لا يصلّون معكم ، ومن صلّى خلف السنّى أعاد صلاته بل يعتقدون نجاسة الواحد منّا ، فمتى صافحناهم غسلوا أيديهم بعدنا ، ومن كفّر المسلمين فهو أولى بالكفر ، فنحن نكفّرهم كما كفّرنا وأولى .
- الرابع : شركهم الصريح بالغلو فى على وذريته ، ودعاؤهم مع الله ، وذلك صريح فى كتبهم ، وهكذا علّوهم ووصفهم له بصفات لا تليق إلا بربّ العالمين ، وقد سمعنا ذلك فى أشراطهم.
- ثم إنهم لا يشتركون فى جمعيات أهل السنّة ، ولا يتصدّقون على فقراء أهل السنّة ، ولو فعلوا فمع البعض الذين ، يفعلون ذلك من باب التقيّة ، فعلى هذا، من دفع إليهم الزكاة فليخرج بدلها حيث أعطاها من يستعين بها على الكفر ، وحرب السنّة ، ومن وكلّ فى تفريق الزكاة حرم عليه أن يعطى منها رافضياً ، فإن فعل لم تبرأ ذمته ، وعليه أن يعزم بدلها ، حيث لم يؤدّ الأمانة إلى أهلها ، ومن شكّ فى ذلك فليقرأ كتب الردّ عليهم ، ككتاب الفغارى فى تفنيد مذهبهم ، وكتاب الخطوط العريضة للخطيب وكتاب إحسان إلهى ظهير وغيرها . والله الموفق. اللؤلؤ المكين من فتاوى فضيلة الشيخ ابن جبرين ص39.
- (5) سايت المنجد، سؤال شماره 10272.
- (6) فتاوى اللجنة الدائمة للبحوث العلميّة والإفتاء: 373/3 فتوى رقم 3008.
- (7) سايت بازتاب «BAZTAB.COM»: مورخ 1384/3/8.
- (8) رجوع شود به تاريخ نجد: 95، الفصل الثالث، الغزوات، تاريخ آل سعود: 31/1 و تاريخه نقد و بررسى وهآبيها: 13 - 76.
- (9) «سار عبد العزيز رحمه الله تعالى غازيا بجمع المسلمين وقصد بلد نادق ونازلهم وحاصرهم ووقع بينهم قتال وقطع شيئا من نخيلهم فأقام على ذلك أياما ، وقتل من أهل البلد ثمانية رجال ، وقتل من المسلمين ثمانية رجال». عنوان المجد ، ص 34 .
- (10) «عزا عبد العزيز إلى الخرج فأوقع بأهل الدّم وقتل من أهلها ثمانية رجال ونهبوا بها دكاكين فيها أموال . ثم أغاروا على أهل بلد نَعْجان وقتلوا عودة بن على ورجع إلى وطنه، ثم بعد أيام سار عبد العزيز بجيوشه إلى بلد (تَرَمْدَا) وقتل من أهلها أربعة رجال وأصيب من الغزو مبارك بن مزروع . ثمّ أن عبد العزيز كرّ راجعا وقصد ( الدّم ) و ( الخُرج ) فقاتل أهلها وقتل من فرعهم سبعة رجال وغنم عليهم إبلا كثيرا . . . عزا عبد العزيز منفوحة وأشعل فى زروعها النار ؟ ! وأخذ كثيرا من حللهم وغنم منهم إبلا كثيرا وقتل من الأعراب عشرة رجال». عنوان المجد ، ص 43.
- (11) أنوا بلاد حرّمة فى الليل وهم هاجعون . . . فلما انفجر الصبح أمر عبد الله على صاحب بُندق يثورها ، فتوروا البنادق دفعة واحدة فارتجت البلاد بأهلها وسقط بعض الحوامل ، ففزعوا وإذا البلاد قد ضبطت عليهم وليس لهم قدرة ولا مخرج . عنوان المجد ، ص 67.
- (12) عنوان المجد ، ص 60 - 61 .
- (13) أسد الغابة، ج2، ص 284، فتح البارى، ج8، ص 7.
- (14) فتح البارى، ج8، ص15، سنن بيهقى، ج9، ص 118.
- (15) براى اطلاع بيشتر رجوع شود به «السلفية بين أهل السنة والإمامية» ص 324.
- (16) تاريخ المملكة السعودية: 73/3.
- (17) عنوان المجد فى تاريخ نجد: 121/1، حوادث سال 1216.
- (18) تاريخه نقد و بررسى وهآبيها: 162.
- (19) مسير طالبى: 408.
- (20) ماضى النجف وحاضرها: 325/1.
- (21) تاريخ المملكة السعودية: 92/1.
- (22) الفجر الصادق: 22.
- (23) سيف الجبر المسلول على الأعداء: 2، از شاه فضل رسول قادري.
- (24) تاريخ وهآبيان: 33.
- (25) همان مصدر: 74.
- (26) تاريخ وهآبيان: 107.
- (27) بقرة: 248.
- (28) نور: 36.
- (29) الدرّ المنثور: 203/6.
- (30) مروج الذهب: 288/2.
- (31) رحلة ابن جبیر: 173، جهت اطلاع بيشتر رجوع شود به كتاب «وهآبيّت، مبانى فكرى وكارنامه عملى»: 149 - 179، تأليف دانشمند فرزانه و فقيه توانا حضرت آيت الله سبحانى.
- (32) كشف الارتياب: 27 به نقل از تاريخ «الجبرى».
- (33) قال الرفاعى أحد كبار علماء الكويت: رضيتم ولم تعارضوا هدم بيت السيّد خديجة الكبرى أمّ المؤمنين والحبّية الأولى لرسول ربّ العالمين صلى الله عليه وآله، المكان الذى هو مهبط الوحى الأوّل عليه من ربّ العزّة والجلال، وسكنتم على هذا الهدم راضين أن يكون المكان بعد هدمه دورات مياه وبيوت خلاء وميضات، فأين الخوف من الله؟ وأين الحياء من رسوله الكريم عليه الصلاة والسلام. نصيحة لإخواننا علماء نجد» ص 59. تأليف: يوسف بن السيّد هاشم الرفاعى، با مقدمه دكتور محمد سعيد رمضان البيوطى.
- (34) قال الرفاعى: حاولتم ولا زلتم تحاولون وجعلتم دأبكم هدم البقعة الباقية من آثار رسول الله صلى الله تعالى عليه وآله وسلم ألا وهى (البقعة الشريفة التى ولد فيها)، التى هُدمت، ثمّ جعلت سوفاً للبهائم، ثمّ حولها بالحيلة الصالحون إلى مكتبة هى (مكتبة مكّة المكرمة). نصيحة لإخواننا علماء نجد» ص 60.
- (35) نصيحة لإخواننا علماء نجد» ص 60.

(36) هدمتم معالم قبور الصحابة وأمّهات المؤمنين وآل البيت الكرام رضى الله عنهم وتركتموها فاعاً صغصاً وشواهداً حجارة مبعثرة لا يُعلم ولا يُعرف قبر هذا من هذا بل سُب على بعضها البنزين فلا حول و لا قوّة إلاّ بالله. ثمّ ذكر فى الهامش: قبر السيّدة آمنه بنت وهب أم الحبيب المصطفى نبيّ هذه الأمّة (صلى الله عليه وآله وسلم). نصيحة لإخواننا علماء نجد: 38.

(37) جهت اطلاع ببشتر رجوع شود به كتاب تاريخ آل سعود: 158/1، كشف الارتباب: 55، 187، 324، أعيان الشيعة: 7/2، الصحيح من سيرة النبيّ الأعظم: 81/1 و آل سعود من أين إلى أين: 47.

نويسنده: دکتر سيد محمد حسینی قزوینی